



دیاکو حسینی

تحلیلگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

صبر استراتژیک در برابر امریکا

در ماه‌های آینده مهم‌ترین معمای پیش روی ایران و امریکا، نحوه ورود به اتاق مذاکرات است.

در واشنگتن اختلاف نظر پیرامون ارزیابی از موفقیت سیاست فشار حداکثری به بیشترین حد خود رسیده است. به دشواری می‌توان در حلقه تندرهای امریکا کسی را پیدا کرد که هنوز اعتقاد داشته باشد تشدید تحریم‌ها می‌تواند در یک بازه زمانی قابل پیش‌بینی و به لحاظ سیاسی مطلوب، به یک شورش داخلی برای سرنگونی نظام سیاسی منجر شود. همین‌طور با گذشت زمان طرفداری از این عقیده هم‌رو به کاهش است که تحریم‌ها در نهایت ایران را وادار به پذیرش شرایط ایالات متحده برای مذاکرات زورگویانه خواهد کرد یا سیاست‌های منطقه‌ای ایران را تغییر خواهد داد. افزایش تنش‌ها در خلیج فارس نشان داد که بازخورد فشار بر ایران می‌تواند بیش از آن مقداری باشد که ایالات متحده از کنترل پذیر بودن آن اطمینان به دست آورد. دونالد ترامپ با نزدیک شدن به تاریخ انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۲۰۲۰ تحت فشار حاصل از دست نیافتن به یک دستور چشمگیر در سیاست خارجی خود قرار دارد؛ به علاوه هنوز نتوانسته است توافق بهتری با ایران را به دست آورد که وعده آن را داده بود. همچنین ترامپ باید نگران تغییر سیاست‌های امارات و عربستان سعودی در برابر ایران و ناامیدی آنها از موفقیت سیاست‌های امریکا باشد. ممکن است آنها در آستانه این تصمیم باشند که از طریق تنش‌زدایی با ایران، احتمال وقوع جنگ ناخواسته را کاهش داده و به نحوی اختلافاتشان را با تهران بدون کمک واشنگتن حل و فصل کنند؛ اگر چنین اتفاقی رخ دهد، کارزار فشار حداکثری آسیب خواهد دید. به همه این دلایل اکنون، امریکا ترامپ بیش از هر زمان دیگری مشتاق گفت‌وگو با ایران در چارچوب‌های عادلانه است. سفر حسن روحانی برای شرکت در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، این فرصت را به دونالد ترامپ داد که خاتمه دادن به بن‌بست‌های فزاینده را آزمایش کند. رئیس‌جمهوری ایران با پیش‌کشیدن دواصل و ابتکار عمل جدید، آمادگی خود را برای گفت‌وگو نشان داد. اعلام اینکه امریکا به جای اسم برجرام باید به رسم آن پایبند باشد، حاکی از آن بود که بازگشت حقوقی امریکا به برجرام هدف ایران نیست. در اینجا منظور از رسم برجرام می‌تواند اشاره به چارچوب‌های عملی از جمله چندجانبه‌گرایی و لغو تحریم‌ها علیه ایران باشد. دومین ابتکار روحانی، پیش‌کشیدن طرح «بیشتر در برابر بیشتر» اعلام عمومی این واقعیت بود که نه تنها ایران نیز از برجرام رضایت کامل نداشت بلکه محصول میزان آمادگی ایالات متحده در سپردن امتیازات بود. این دو موضوع به تنهایی صحنه بازی را برای واشنگتن دگرگون کرد.

ظاهراً دونالد ترامپ پیش از این نتوانسته بود با عبور از ۱۲ خواسته حیرت‌انگیز مایک پمپئو و برکنار کردن جان بولتون، مشاور امنیت ملی ناسازگار خود با ایران، مذاکره با تهران را در چشم‌انداز عملی‌تری قرار دهد اما با این وجود هنوز محدودیت‌هایی دارد. از دیدگاه ترامپ، برچیدن تحریم‌ها پیش از آغاز گفت‌وگو که طرف ایرانی آن را تنها شرط امکان‌پذیری مذاکرات می‌داند، به معنای شکست و تعبیر خواهد شد. همین‌طور نادیده گرفتن برنامه‌های موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای از هرگونه توافق جدید با ایران می‌تواند صدای اعتراض تندرهای واشنگتن را بلند کند و حامیان او را برنجاند. از دیدگاه ایران نیز پذیرش مذاکرات پیش از برچیدن تحریم‌ها به معنای پاداش دادن به سیاست فشار حداکثری و کمک به ایجاد رویه‌ای است که می‌تواند در آینده گریبان همه توافقاتی بین‌المللی را بگیرد. در ایران نیز توافقی درباره دستور کار مذاکرات جامع‌تر از برجرام که به نحوی شامل ترتیبات منطقه‌ای و ایجاد موازنه نظامی باشد، وجود ندارد. با افزایش فشارهای داخلی به دونالد ترامپ که باقی‌مانده او در قدرت یا انتخاب مجدد او را در انتخابات آتی زیر سؤال برده، تردیدها در تهران را افزایش می‌دهد. از این گذشته، ممکن است ایران علاقه‌ای نداشته باشد که از راه توافق با دونالد ترامپ، به او امتیازی در رقابت‌های داخلی در امریکا بدهد به نحوی که اعتبار او را نزد

موانع آغاز گفت‌وگو میان ایران و امریکا چیست؟

رای دهنندگان افزایش دهد.

این موانع به معنای غیرممکن بودن توافق میان دو کشور نیست. هیچ‌کس در ایران نمی‌تواند سایه تحریم‌ها را به طور دائمی بالای سر ایران تصور کند. تحریم‌ها به هر دلیلی که وضع شده باشند، دامنه تجارت خارجی ایران را محدود کرده و ایران را فقیر و فقیرتر می‌کند و این موضوع می‌تواند در میان مدت بر ظرفیت‌های رقابت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران در دورانی که شتاب توسعه شاخص کلیدی در فهم دگرگونی در جایگاه کشورها در هرم نظام جهانی است، تأثیرات منفی بر جای بگذارد. اگر ایران می‌توانست مطمئن باشد که با تغییر دولت در ایالات متحده، تحریم‌ها لغو شده و امریکا مطابق میل ایران رفتار خواهد کرد، عادلانه‌تر بود که تا جایی قدرت در واشنگتن صبر می‌کردیم؛ اما می‌دانیم که اوضاع به این خوبی پیش نخواهد رفت. اگر در انتخابات آینده امریکا، دموکرات‌ها موفق به بیرون راندن دونالد ترامپ از کاخ سفید شوند، چرا باید با لغویکباره تحریم‌هایی که ایران را در موضع ضعف قرار داده است، قدرت چانه‌زنی خود را برای بهبود دادن توافق برجرام بگاھند؟ و با ملحق شدن دوباره وی قید و شرط به برجرام، فرصت دست یافتن به توافق بهتر را به هدف نشان دادن اینکه سرسختی بیشتری نسبت به جمهوریخواهان در برابر سیاست‌های منطقه‌ای و نظامی ایران دارند، از دست بدهند؟ از زاویه نگاه منافع ایران، بهتر است که ایالات متحده بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ که برجرام را با تمامی الزامات آن مورد حمایت قرار داده است، مراعات کند اما همچنان بیرون از برجرام باقی بماند. پیوستن امریکا به برجرام، او را به امکانات این توافق از جمله توانایی بازگرداندن تحریم‌ها یا مکانیسم ماشه مجهز خواهد کرد در حالی که نمی‌دانیم چگونه می‌تواند از آن علیه ایران در آینده استفاده کند. به علاوه شخصیت‌نمایشی ترامپ و پایبند نبودن او به اصول کلاسیک سیاست خارجی امریکا از او فرد بهتری برای مذاکره و توافق ساخته است؛ هرچند که بسیار بعید است امکان دستیابی به توافقی مملو از جزئیات با او به سادگی امکان‌پذیر باشد. هرگونه توافق با امریکا ترامپ باید شامل راه‌حل‌های کلی باشد که حیثیت طرفین را بر اساس خطوط قرمز ترسیم شده حفظ کند؛ همین‌طور برای اجتناب از جزئیات که امکان توافق را دشوار می‌کند، بهتر است به نمایش پیروزی بیشتر از خود پیروزی در توافق برای هر دو طرف اهمیت بدهد و از همه مهم‌تر اینکه این توافق به گونه‌ای نباشد که نقض آن در آینده، ایران را به موضع ضعف بکشانند. دستیابی هم‌زمان به همه این اهداف آسان نیست، بویژه با نزدیک شدن به انتخابات امریکا، وضعیت از این هم پیچیده‌تر خواهد شد. اگر تا پیش از انتخابات، توافقی میان دو کشور ایران و امریکا صورت نگیرد و دونالد ترامپ به پیروزی دوباره برسد، از او مذاکره‌کننده سرسخت‌تری خواهد ساخت که توافق را دشوارتر خواهد کرد و اگر تا آن زمان توافقی به دست آید در حالی که ترامپ ناگزیر به ترک کاخ سفید باشد، ایران با مجموعه‌ای از تعهدات روبه‌رو خواهد بود که ممکن است دموکرات‌ها به آن پایبند نباشند. به همین دلیل، هرگونه توافقی در آینده باید اتفاق نظر دوحزبی را در امریکا به همراه داشته باشد و باز به همین دلیل است که وزیر امور خارجه ایران خواستار تبدیل شدن لغو تحریم‌ها به قانونی در کنگره امریکا شده است اما احتمالاً این کافی نیست. اگر قرار بر دستیابی به توافقی میان ایران و امریکا ترامپ باشد، بهتر است قبل از اوج گرفتن رقابت‌های انتخاباتی و قرار گرفتن در کانون جدال‌های حزبی انجام بگیرد.

برای رسیدن به وضعیت مطلوب، ایران باید صبورتر باشد؛ نه تنها در نشان دادن اشتیاق به گفت‌وگو با امریکا بلکه در پیش بردن تنش‌زدایی در منطقه. تناسب میان پیامدهای فشار بر ایران با ثبات در حوزه نفوذ ایران می‌تواند اثرات سازنده‌ای برای دیپلماسی داشته باشد. با وجود این نباید هیچ فرصتی را که در زمان مناسب ممکن است ضمن حفظ این تناسب، افقی برای حل و فصل بحران جاری بگشاید، نادیده بگیریم. در ماه‌های آینده مهم‌ترین معمای پیش روی ایران و امریکا، نحوه ورود به اتاق مذاکرات به گونه‌ای است که طرفین از آن خرسند باشند. توقف تحریم‌ها پیش از ورود به اتاق مذاکرات و لغو آن پس از رسیدن به توافق و خروج از اتاق گفت‌وگوها شاید در اصل این معماست. در آن صورت ایران به هدف خود مبنی بر امتناع از مذاکره تحت تحریم خواهد رسید و دونالد ترامپ می‌تواند ادعا کند که تا پیش از توافق، تحریم‌ها را لغو نکرده است. ضروری است که تا رسیدن دونالد ترامپ به این درجه از آمادگی همچنان صبر کنیم.

